

<https://pecritique.com/>

نقد اقتصاد سیاسی
مردادماه ۱۴۰۲

نابرابری در آمدی بین ملتها

احمد سیف



Photography and Body Painting-by Kevin Lee Haohui-Zhou and Bin Liu

در اغلب بررسی‌ها درباره‌ی نابرابری، روال کار بر این است که درباره‌ی یک کشور خاص آمارهای مرتبط جمع‌آوری شده و بعد کوشش می‌شود تا نشان داده شود که منابع ملی و سراسری یا به عبارت دیگر تولید ناخالص داخلی چگونه در میان شهروندان همان کشور خاص توزیع می‌شود.^۱ در این جا هم می‌توان جمعیت کشور را به صورت ده دهک در نظر گرفت و بعد وارسید که سهم هر دهک از تولید ناخالص داخلی به چه میزان است. یا از طرف دیگر می‌توان به بررسی توزیع درآمد بین عوامل عمده‌ی تولید - به‌طور عمده کار و سرمایه - پرداخت. اگرچه این نوع پژوهش‌ها بسیار مفیدند و می‌توانند راهنمای بسیار مفیدی برای سیاست‌پردازی باشند ولی به گمان من یکی از کمبودها این است که میزان نابرابری موجود را کم برآورد می‌کند.

من در این مقاله‌ی کوتاه می‌خواهم بررسی کنم که نابرابری درآمدی در میان ملت چگونه متحول شده است و برای یافتن جواب به این سؤال، به‌طور کاملاً تصادفی سه کشور سرمایه‌داری پیشرفته و سه کشور دیگر سرمایه‌داری ولی در حال توسعه را انتخاب کرده‌ام. آمارهای بانک جهانی برای تولید ناخالص داخلی کشورها به قیمت ثابت سال ۲۰۱۵ را مبداء کار قرار داده‌ام. همچنین از آمارهای بانک جهانی درباره‌ی جمعیت این کشورها بهره گرفته‌ام. از سوی دیگر، از بانک آماری «کارگاه نابرابری جهانی» هم آمارهای مربوط به توزیع درصدی درآمد ملی را دانلود کردم و با استفاده از دو دسته‌ی آماری که در دسترس ماست، متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها و ۱۰درصدی‌ها و ۵۰درصدی‌های پایین را برای هر دو دسته کشورها محاسبه کردم. آن چه می‌آید در واقع افزودن یادداشت‌هایی در حول و حوش این آمارهاست.

از طرف دیگر، برای این که بتوانیم وضعیت را در گذر زمان هم بررسی کرده باشیم، من وضعیت را در سه تاریخ متفاوت در نظر گرفته‌ام که هر کدام به‌نوبه دارای اهمیت ویژه‌ای هستند. ابتدا از سال ۱۹۸۰ آغاز می‌کنم من آن را با اندکی تسامح شروع الگوی نولیب‌ریالیسم در کشورهای سرمایه‌داری می‌دانم. به این ترتیب وقتی توزیع درآمد

^۱ علاوه بر World Inequality Lab منبع دیگر داده‌های آماری من در این یادداشت بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است اگر غیر از این باشد تصریح خواهم کرد.

را در سال ۱۹۸۰ در میان این کشورها با یکدیگر مقایسه می‌کنیم در واقع داریم پی‌آمدهای سیاست‌پردازی اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم را بررسی می‌کنیم. در وجه عمده این ادعا احتمالاً درست است که در این سال هیچ یک از این کشورها هنوز الگوی اقتصادی نولیبرالی را به کار نگرفته بودند. تاریخ دوم هم سال ۲۰۰۷ است، یعنی قبل از بحران بزرگ مالی، و به یک معنا مقایسه‌ی کشورها در این سال، در واقع نشان می‌دهد که توزیع درآمد در این کشورها در راستای اجرای رفرم‌های نولیبرالی از سال ۱۹۸۰ به بعد دستخوش چه تحولات و دگرگونی‌هایی شده است. و سرانجام هم سال ۲۰۲۱ را به کار می‌گیریم - یعنی آخرین سالی که برای آن آمارهای لازم را در دسترس داریم و مقایسه‌ی وضعیت در این سال نشان می‌دهد که در زمینه‌ی نابرابری درآمدی در چه وضعیتی هستیم و آیا این کشورها توانسته‌اند از پی‌آمدهای مصیبت‌بار بحران بزرگ جهانی خود را خلاص کنند یا خیر؟

به‌عنوان نقطه‌ی شروع، میزان جمعیت این کشورها از ۱۹۸۰ نرخ رشد متفاوتی را تجربه کرده و به‌علاوه این کشورها رشد اقتصادی متفاوتی داشته‌اند. برای مثال شواهد آماری ما نشان می‌دهد که اقتصاد هندوستان در این فاصله یعنی بین ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۱ بیش از ۹ برابر شد و در نوبت بعدی هم ایران و آمریکا قرار دارند که اقتصادشان در این فاصله ۳ برابر شده است. کم‌ترین میزان رشد اقتصادی در آلمان و فرانسه اتفاق افتاد که اقتصادشان در ۲۰۲۱ در مقایسه با ۱۹۸۰ اندکی کم‌تر از دو برابر شده بود. برای همه این کشورها، بخش عمده‌ای از رشد اقتصادی در دوره‌ی اول، یعنی بین ۱۹۸۰ و ۲۰۰۷ اتفاق افتاد و در دوره‌ی دوم، یعنی ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۱ رشد اقتصادی به‌مراتب کم‌تر بود و در این سال‌ها هم بیشترین میزان رشد اقتصادی در هندوستان ثبت شد که اقتصادش در سال‌های پس از بحران مالی بزرگ حدوداً دو برابر شده است. در مورد دیگر اقتصادهایی که برای بررسی بیشتر برگزیده‌ایم میزان رشد اقتصادی میان کشورهای مختلف متغیر بوده است.

وقتی به رشد جمعیت نگاه می‌کنیم بیشترین رشد در ایران اتفاق افتاد که جمعیت‌اش بیش از دو برابر شد و کم‌ترین رشد هم در آلمان بود که در این فاصله‌ی ۴۰ ساله جمعیت‌اش حدود ۶ درصد رشد داشت. هندوستان هم همانند ایران نرخ رشد جمعیت بالایی را تجربه کرد.

برای این که تصویری کلی از این ۶ کشور به دست بدهم اجازه بدهید توزیع درآمد در این کشورها را بررسی کنیم.

جدول یک. توزیع درآمد ۱۹۸۰ - ۲۰۲۱

سه‌م یک درصدی‌ها از درآمد ملی به درصد						
افریقای جنوبی	امریکا	فرانسه	آلمان	ایران	هندوستان	
۱۱	۱۱	۱۴	۱۰	۲۳	۸	۱۹۸۰
۲۰	۱۹	۱۲	۱۴	۱۸	۲۰	۲۰۰۷
۲۲	۱۹	۱۰	۱۳	۱۸	۲۲	۲۰۲۱
سه‌م ۵۰ درصدی‌ها پایینی از درآمد ملی به درصد						
۱۳	۱۹	۲۲	۲۳	۱۱	۲۱	۱۹۸۰
۸	۱۴	۲۲	۱۹	۱۲	۱۶	۲۰۰۷
۵	۱۳	۲۳	۱۹	۱۳	۱۳	۲۰۲۱
سه‌م ۴۰ درصدی‌های میانه (۵۱-۹۰٪) از درآمد ملی به درصد						
۴۰	۴۷	۴۷	۴۸	۳۲	۴۶	۱۹۸۰
۳۰	۴۲	۴۴	۴۴	۳۵	۳۵	۲۰۰۷
۲۸	۴۱	۴۵	۴۴	۳۴	۳۰	۲۰۲۱
سه‌م ۹ درصدی‌های ثروتمند (۹۱-۹۹٪) از درآمد ملی به درصد						
۳۶	۲۳	۲۳	۱۹	۳۴	۲۴	۱۹۸۰
۴۲	۲۵	۲۲	۲۳	۳۵	۲۹	۲۰۰۷
۴۵	۲۶	۲۲	۲۴	۳۵	۳۵	۲۰۲۱

World Inequality Database, at <https://wid.world/>.
(Downloaded during December 2021).

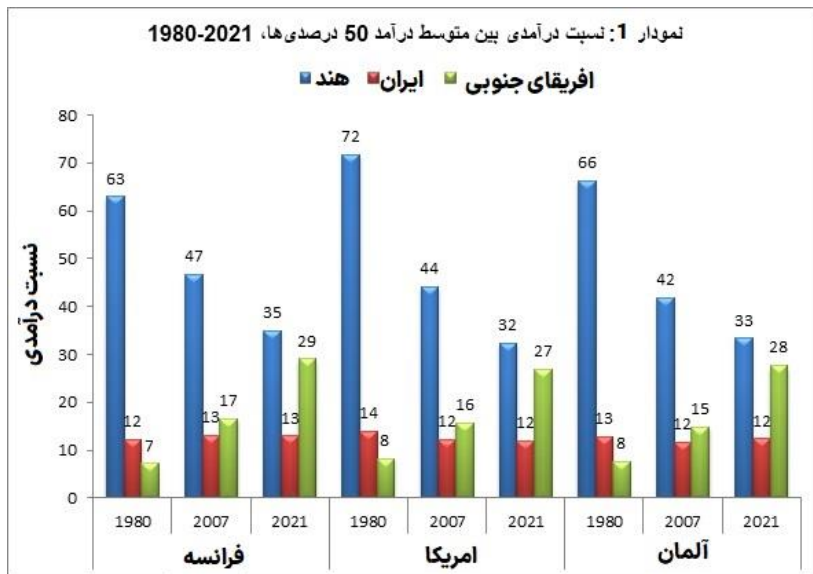
چند نکته‌ی کلی درباره‌ی داده‌های آماری این جدول:

در ۳ کشور از ۶ کشوری که برای بررسی بیشتر برگزیده‌ایم شاهدیم که توزیع درآمد در این ۴۰ سال مورد بررسی به‌طور خیلی جدی تغییر کرده است. سهم یک‌درصدی‌ها در هندوستان به صورت درصدی از درآمد ملی در این ۴۰ سال حدوداً ۳ برابر شد. در افریقای جنوبی این سهم‌بری دو برابر شد و در امریکا هم ۷۰ درصد رشد داشت. در عین حال، سهم ۵۰ درصدی‌های فقیر در هر سه اقتصاد با کاهش چشمگیر همراه شد، میزان کاهش در امریکا حدوداً ۴۰ درصد و در هندوستان هم ۶۰ درصد و در افریقای جنوبی بیشتر از ۱۶۰ درصد بود. از سوی دیگر سهم‌بری ۴۰ درصدی‌ها، یعنی بین ۵۱-۹۰ درصدی‌ها- هم در این اقتصادها روند کاهنده داشته است. بیشترین میزان کاهش در هندوستان اتفاق افتاد و پس از آن در افریقای جنوبی که به ترتیب، ۵۰ درصد و ۴۰ درصد کاهش یافتند. در امریکا هم سهم‌بری ۴۰ درصدی‌های میانه، حدوداً ۱۵ درصد کم‌تر شد. ما در این بررسی مختصر همچنین محاسبه کرده‌ایم که بر وضعیت درآمدی ۹ درصدی‌ها- یعنی ۹۱-۹۹٪ در این اقتصادها چه آمده است. تغییرات در سهم‌بری ۹ درصدی‌ها بسیار شبیه تغییرات در سهم‌بری یک‌درصدی‌هاست با این توضیح که میزان افزایش به نسبت کمتر است. به‌غیر از فرانسه در ۵ کشور دیگر سهم ۹ درصدی‌ها در این فاصله از درآمد ملی افزایش یافته است. بیشترین میزان افزایش در هندوستان اتفاق افتاد که سهم‌شان بیش از ۴۵ درصد بیشتر شد، و پس آن‌گاه میزان رشد سهم‌بری برای ۹ درصدی‌ها در افریقای جنوبی هم ۲۵ درصد بود و در امریکا هم شاهد افزایش ۱۰ درصدی در سهم‌بری ۹ درصدی‌های ثروتمند بوده‌ایم. در دیگر اقتصادهایی که در این یادداشت بررسی خواهیم کرد شاهد تغییرات جزئی بوده‌ایم که به‌نوبه به آنها هم خواهیم پرداخت. آن‌چه که باید بر آن تأکید کنم این که در ۲۰۲۱ در مقایسه با وضعیت سال ۱۹۸۰، ۱۰ درصدی‌ها- یعنی یک‌درصدی‌ها و ۹ درصدی‌های بعدی- در همه‌ی این اقتصادها سهم به‌مراتب بیشتری از درآمد ملی دارند. اجازه بدهید از بررسی توزیع درصدی درآمد ملی به مقایسه‌ی متوسط درآمدها برای دهک‌های مختلف بپردازیم. در میان این کشورها، ایران تنها موردی است که در آن متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در ۲۰۲۱ از میزان متوسط درآمد این گروه در ۱۹۸۰ کم‌تر بود. در پیوند با دیگر کشورها، متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در هندوستان در این فاصله ۱۳ برابر شد و در امریکا هم شاهدیم که در ۲۰۲۱ متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها

بیش از ۳ برابر متوسط درآمدشان در سال ۱۹۸۰ بود. در فرانسه متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در این فاصله ۷۰ درصد بیشتر شد و میزان متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در آلمان و در افریقای جنوبی بیش از دو برابر شد. ناگفته روشن است که این شیوهی تغییر متوسط درآمد باعث شد که نسبت درآمدی - یعنی نسبت بین متوسط درآمدهای دهک‌های مختلف - هم دستخوش تغییر اساسی بشود. با استفاده از آمارهای بانک جهانی و آمارهای مربوط به توزیع درصدی این درآمدها برای همه‌ی کشورها در این نمونه‌ی کوچک متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها را محاسبه کرده‌ایم. به‌عنوان مثال مشاهده می‌کنیم یک‌درصدی‌های هندی شکاف درآمدی‌شان را با متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در امریکا، آلمان و فرانسه کاهش داده‌اند. در حالی که در ایران، شکاف درآمدی یک‌درصدی‌های ایران با متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در این کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته بسیار بزرگ‌تر شده است. در سال ۱۹۸۰، متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در فرانسه بیش از ۶۸ برابر متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در هندوستان بود ولی در سال ۲۰۰۷، با تغییراتی که پیش آمد این نسبت درآمدی به ۲۰ و سپس در ۲۰۲۱ به تنها ۹ برابر کاهش یافت. به همین شکل اگر متوسط درآمد یک‌درصدی‌های هندی را با متوسط درآمد یک‌درصدی‌های امریکایی مقایسه کنیم روند مشابهی را مشاهده خواهیم کرد. در سال ۱۹۸۰ متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در امریکا بیش از ۱۰۹ برابر متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در هندوستان بود. ولی این نسبت در سال ۲۰۰۷ به ۴۸ برابر و سپس در ۲۰۲۱ به ۲۸ برابر کاهش یافت. پرکردن شکاف درآمدی بین درآمد متوسط یک‌درصدی‌های هندی و آلمانی به مراتب جدی‌تر و اساسی‌تر بود. در سال ۱۹۸۰ متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در آلمان بیش از ۷۶ برابر متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در هندوستان بود ولی این نسبت در ۲۰۲۱ به تنها ۱۳ برابر کاهش یافت. یکی از عواملی که احتمالاً این تحول در نسبت درآمدی را توضیح می‌دهد این که تقریباً در همه‌ی این سال‌ها رشد اقتصادی هندوستان از رشد اقتصادی در کشورهای دیگر بیشتر بود و به‌علاوه، شواهد زیادی موجود است که نشان می‌دهد ما در همه‌ی این سال‌ها در هندوستان با رشد اقتصادی فراگیر روبرو نبوده‌ایم. در تأیید این نکته بد نیست اشاره کنم که اندازه‌ی اقتصاد هندوستان در این فاصله ۹ برابر شده است ولی

می‌دانیم متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در این فاصله هم ۱۳ برابر رشد کرده است. در مورد آلمان ولی، متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در این فاصله تقریباً دو برابر شد و رشد اقتصاد آلمان هم در این فاصله از دو برابر کمتر بود. در امریکا ولی رشد در میزان متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها به مراتب از میزان رشد کلی اقتصاد امریکا بیشتر بود، که در واقع شاهدهی بر رشد بیشتر نابرابری درآمدها در امریکاست. شکاف درآمدی بین متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در ایران و متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در اقتصادهای ثروتمند در ۱۹۸۰ به مراتب از آنچه در سال ۲۰۲۱ بود کمتر بود. به‌عنوان نمونه در ۱۹۸۰ متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در فرانسه تقریباً ۲ برابر متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در ایران بود، ولی این نسبت در سال ۲۰۲۱ به بیش از ۴ برابر افزایش یافت. در مقایسه‌ی متوسط درآمد یک‌درصدی‌های ایران با متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در امریکا میزان شکاف موجود به مراتب بزرگ‌تر شده است. در سال ۱۹۸۰ متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در امریکا حدوداً ۴ برابر متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در ایران بود ولی این نسبت در سال ۲۰۲۱ بیش از ۱۳ برابر شد. در افریقای جنوبی که با نابرابری درآمدی بیشتری روبرو هستیم این تغییرات هم وجه متفاوتی می‌گیرد. در ۱۹۸۰ متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در آلمان حدوداً ۴ برابر متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در افریقای جنوبی بود و این نسبت در ۲۰۲۱ هم به همین میزان بود. همین وضعیت هم در مقایسه با فرانسه وجود داشت و نسبت درآمدی بین این دو گروه از ثروتمندان ۳ برابر بود. ولی در مقایسه با امریکا، احتمالاً به این دلیل که در امریکا هم با نابرابری درآمدی زیادی روبرو هستیم در نتیجه این نسبت تغییر کرده است. در ۱۹۸۰ متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در امریکا ۶ برابر متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در افریقای جنوبی بود ولی این نسبت در ۲۰۲۱ بیش از ۱۳ برابر شد. در مرحله‌ی بعدی ما به دو نوع بررسی مقایسه‌ای دست می‌زنیم. در بخش اول، نسبت درآمدی بین متوسط درآمد ۵۰درصدی‌ها در این ۶ کشور را با یک‌دیگر مقایسه و تغییرات رخ داده را بررسی می‌کنیم. پس آن‌گاه در بخش بعدی، نسبت درآمدی یک‌درصدی‌ها در امریکا، آلمان و فرانسه و ۵۰درصدی‌های فقیر در ایران، هندوستان و افریقای جنوبی را به دست خواهیم داد.

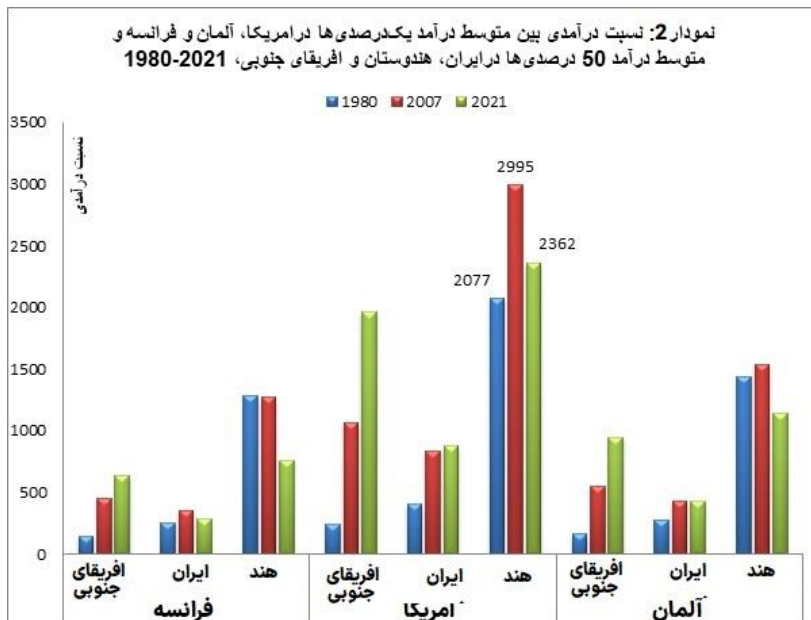
درباره‌ی متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌ها، بیشترین میزان افزایش در فرانسه اتفاق افتاد و این در حالی‌ست که میزان افزایش در آلمان هم در مرتبه‌ی دوم قرار داشت. میزان افزایش در متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های فقیر در آمریکا از دیگر کشورها به مراتب کم‌تر بود. در میان سه کشور دیگر، یعنی هندوستان، ایران و آفریقای جنوبی، وضع به‌راستی بسیار جالب و بحث‌برانگیز می‌شود. در هندوستان در طول ۴ دهه‌ی گذشته متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های فقیر ۳ برابر شده است ولی در ایران، میزان افزایش برای کل این دوره، یعنی از ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۱ تنها ۵۰ درصد است. در آفریقای جنوبی میزان متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های فقیر در سال ۲۰۲۱ در مقایسه با متوسط درآمد همین گروه در ۱۹۸۰ به کم‌تر از نصف تقلیل یافته و ۶۰ درصد کم‌تر شده است. در نمودار یک این یافته‌ها را ارایه کرده‌ام.



در نمودار ۱ متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های فقیر را در این ۶ کشور مقایسه کرده‌ام و آن چه در نگاه اول به نظر می‌رسد این که با وجود تغییرات مثبتی که اتفاق افتاد ولی همچنان شکاف درآمدی بین ۵۰ درصدی‌های فقیر هندوستان با متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌ها در آمریکا، آلمان و فرانسه از شکاف درآمدی مشابه در پیوند با ایران و

آفریقای جنوبی بیشتر است. به‌عنوان مثال، اگرچه متوسط درآمد ۵۰ درصد‌های فقیر در هندوستان افزایش یافته و نسبت بین این میزان متوسط و متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌ها در فرانسه از ۶۳ برابر بودن به ۳۵ برابر در سال ۲۰۲۱ رسیده است ولی در همان سال، متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های فرانسوی تنها ۱۳ برابر متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌ها در ایران در همان سال بود. به‌طور کلی از ارقام آماری می‌دانیم که متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های فقیر در کشورهای ثروتمند در این نمونه‌ی کوچک ما در سال ۱۹۸۰ حدوداً ۶۷ برابر متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های فقیر در هندوستان بود ولی این نسبت درآمدی در ۲۰۲۱ به ۳۳ برابر تقلیل یافت. در ایران، در سال ۱۹۸۰ این نسبت درآمدی حدوداً ۱۲ برابر بود و به نظر می‌رسد که در همان حد باقی مانده باشد. در آفریقای جنوبی ولی وضع به‌شدت فرق کرده است. نسبت درآمدی در سال ۱۹۸۰ حدوداً ۸ برابر بود ولی در ۲۰۰۷ به ۱۶ برابر افزایش یافت و سرانجام در ۲۰۲۱ متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های فقیر در کشورهای غنی بیش از ۲۸ برابر متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌ها در آفریقای جنوبی شد. توزیع درآمد در آفریقای جنوبی به شیوه‌ی هراس‌آوری نابرابرتر شده است. در مقایسه بین وضعیت در هندوستان و در آفریقای جنوبی مشاهده می‌کنیم در حالی که وضعیت در هندوستان در مقایسه با هر سه کشور ثروتمند، امریکا، فرانسه و آلمان بهبود یافته و شکاف کم‌تر شده است در مورد آفریقای جنوبی دقیقاً با عکس آن روبرو هستیم یعنی در مقایسه با هر کدام از این کشورها، شکاف موجود عظیم‌تر گشته است. به‌عنوان مثال در سال ۱۹۸۰، متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های فقیر در کشورهای ثروتمند تنها حدوداً ۸ برابر متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌ها در آفریقای جنوبی بود ولی این نسبت در ۲۰۲۱ به ۲۸ برابر افزایش یافت.

در این بخش می‌خواهم تغییرات در متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در کشورهای ثروتمند را با تغییراتی که در متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های فقیر در ایران، هندوستان و آفریقای جنوبی پیش آمد مقایسه کنم. یافته‌ها را در نمودار ۲ خلاصه کرده‌ام.

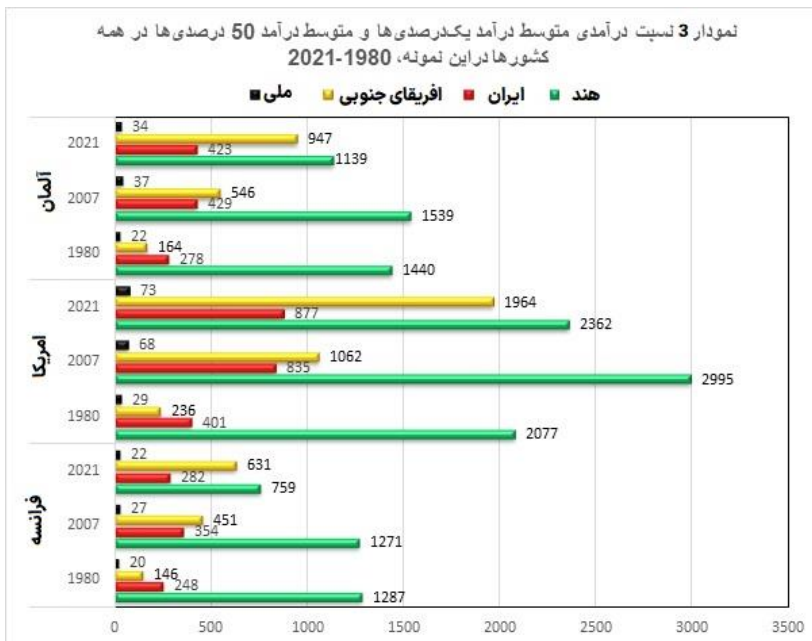


اولین نکته‌ای که باید به آن اشاره کنم این است که کم‌ترین نسبت درآمدی در سال ۱۹۸۰ وجود داشت که به‌عنوان مثال متوسط درآمد یک‌درصدی‌های در فرانسه بیش از ۱۴۶ برابر متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های فقیر در افریقای جنوبی بود. در همان سال، متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در فرانسه بیش از ۲۴۸ برابر متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های فقیر در ایران و ۱۲۸۷ برابر متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های فقیر در هندوستان بود. به نظر می‌رسد که در اغلب این سال‌ها متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در آمریکا حدوداً ۲ برابر متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در فرانسه بوده باشد چون وقتی نسبت درآمدی بین متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در آمریکا را مبنای مقایسه قرار می‌دهیم ارقام به‌راستی اوج می‌گیرند. در سال ۱۹۸۰ متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در آمریکا، بیش از ۲۰۷۷ برابر متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های فقیر در هندوستان بود در حالی که در مقایسه با ایران این نسبت، ۴۰۱ و در پیوند با افریقای جنوبی هم فقط ۲۳۶ برابر بود. وضعیت در آلمان به وضعیت در فرانسه بسیار شبیه بود با این تفاوت که

به نظر می‌رسد متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در آلمان از متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در فرانسه بیشتر بوده باشد. به‌عنوان مثال در سال ۱۹۸۰ متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در آلمان بیش از ۱۴۴۰ برابر متوسط درآمد ۵۰درصدی‌های پایین در هندوستان بود. وقتی به ۲۰۰۷ می‌رسیم اگرچه شکاف درآمدی ثروتمندان در آلمان و ۵۰درصدی‌های فقیر در ایران و آفریقای جنوبی افزایش یافته ولی در هندوستان این نسبت کم‌تر شده است. متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در فرانسه در ۲۰۰۷ بیش از ۳۵۴ برابر متوسط درآمد ۵۰درصدی‌های فقیر در ایران بود و این نسبت درآمدی برای این سال برای آفریقای جنوبی هم ۴۵۱ برابر بود. وقتی این وضعیت را به متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در آمریکا مقایسه می‌کنیم نابرابری روزافزون در خود آمریکا و انباشت بیشتر و بیشتر درآمد و ثروت در میان یک‌درصدی‌ها را مشاهده می‌کنیم که این نسبت‌ها به‌شدت بیشتر شده است. در سال ۲۰۰۷ متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در آمریکا ۲۹۹۵ برابر متوسط درآمد ۵۰درصدی‌های فقیر در هندوستان بود و نسبت مشابه برای ایران ۸۳۵ و آفریقای جنوبی ۱۰۶۲ بود. اضافه کنم که این نسبت‌ها بیانگر رشد قابل‌توجهی در نابرابری درآمدها هستند که در مورد هندوستان میزان افزایش در شکاف حدوداً یک‌سوم است در حالی که در پیوند با ایران میزانش ۲ برابر و در مقایسه با وضعیت در آفریقای جنوبی هم شاهد ۴ برابر شدن شکاف درآمدی هستیم. اگر متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در آلمان را با متوسط درآمد ۵۰درصدی‌های فقیر در این کشورها مقایسه کنیم تصویر مشابهی به دست می‌آید با این تفاوت که در مقابل آمریکا ارقام اندکی کوچک‌ترند. در سال ۲۰۰۷ متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در آلمان حدوداً ۱۵۳۹ برابر متوسط درآمد ۵۰درصدی‌های فقیر در هندوستان بود که در مقایسه با وضعیت در ۱۹۸۰ مقداری افزایش نشان می‌دهد ولی اگر از متوسط درآمد ۵۰درصدی‌های فقیر ایران در این قیاس استفاده کنیم، نسبت درآمدی ۴۲۹ برابر است که در مقایسه با وضعیت در سال ۱۹۸۰ نشان‌دهنده‌ی رشد ۵۴ درصدی است. با توجه به نابرابری درآمدی هراس‌آور در آفریقای جنوبی شاهد بیشترین افزایش در شکاف نابرابری در این‌جا هستیم. در سال ۱۹۸۰ متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در آلمان تنها ۱۶۴ برابر متوسط درآمد ۵۰درصدی‌های فقیر در آفریقای جنوبی بود ولی این نسبت درآمدی در سال ۲۰۰۷ به ۵۴۶ برابر رسید که در مقایسه با ۱۹۸۰ بیش از ۳ برابر شده است. وقتی به ۲۰۲۱ می‌رسیم نسبت

درآمدی هندوستان و ایران اندکی بهبود می‌یابد ولی وضع در پیوند با افریقای جنوبی به مراتب بدتر می‌شود. متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در فرانسه در سال ۲۰۲۱ حدوداً ۷۵۹ برابر متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های فقیر در هندوستان است که در مقایسه با وضعیت در ۱۹۸۰ شاهد بیش از ۴۰ درصد کاهش هستیم. در پیوند با ایران هم وضع اندکی بهبود یافت یعنی در ۲۰۰۷ متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در فرانسه ۲۸۲ برابر متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های فقیر در ایران بود که در مقایسه با وضعیت در ۱۹۸۰ اندکی بهبود نشان می‌دهد. یکی از دلایل این تغییرات به صورتی که در این صفحات گزارش کرده ایم احتمالاً شیوه تغییر در توزیع درصدی درآمدها و همچنین میزان رشد اقتصادی در این سال‌هاست. به عنوان نمونه داده‌های آماری ما نشان می‌دهد که در فاصله‌ی ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۱ میزان متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌ها حدوداً ۸۵ درصد بیشتر شده است در حالی که در طول همین سال‌ها متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در فرانسه ۲۰ درصد کاهش یافته است. اگر از ارقام افریقای جنوبی استفاده کنیم نسبت درآمدی در سال ۲۰۰۷ ۴۵۱ برابر بود که برای سال ۲۰۲۱ با بیش از ۴۰ درصد رشد به ۶۳۱ برابر رسید. وقتی متوسط درآمد یک‌درصدی‌های امریکایی را به کار می‌گیریم در دو مورد از سه کشوری که بررسی می‌کنیم مشاهده می‌شود که این شکاف بیشتر شده است. متوسط درآمد یک‌درصدی‌های امریکایی در سال ۲۰۲۱ حدوداً ۲۳۶۳ برابر متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های هندوستان بود اگرچه این شکاف درآمدی بسیار هراس‌آور است ولی نکته این است که در ۲۰۰۷ این نسبت درآمدی ۲۹۹۵ برابر بود. یکی از عوامل احتمالاً این است که میزان متوسط درآمد یک‌درصدی‌های امریکایی در این سال‌ها تنها ۸ درصد رشد داشته در حالی که متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های فقیر در هندوستان بیش از ۸۵ درصد افزایش یافت. اگر متوسط درآمد یک‌درصدی‌های امریکایی را در ۲۰۲۱ با متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های فقیر ایران و افریقای جنوبی مقایسه کنیم مشاهده می‌کنیم که نسبت درآمدی به ترتیب ۸۷۷ برابر و ۱۹۶۴ برابر بود که در هر دو مورد در مقایسه با وضعیت در سال ۱۹۸۰ شکاف بیشتر شده است. مقایسه‌ی متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در آلمان با متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های فقیر در ایران، هندوستان و افریقای جنوبی تصویر مشابهی به دست می‌دهد. در مقایسه با

هندوستان شاهدیم که نسبت درآمدی اندکی کاهش یافته در حالی که در پیوند با افریقای جنوبی شکاف به مراتب بیشتر شده است. یکی از عوامل احتمالاً این بود که متوسط درآمد یک درصدی‌ها در آلمان برای این دوره تنها یک درصد رشد داشته است ولی با این وصف در سال ۲۰۰۷ بیش از ۵۴۶ برابر متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های فقیر در افریقای جنوبی بود ولی این نسبت در ۲۰۲۱ به ۹۴۷ برابر افزایش یافت. پیش‌تر هم گفته شد براساس داده‌های آماری ما متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های فقیر در افریقای جنوبی در ۲۰۲۱ در مقایسه با میزانش در ۲۰۰۷ بیش از ۴۰ درصد کاهش داشته است. در نمودار بعدی، ما ترکیبی از این آمارها را به دست می‌دهیم. یعنی در ستون‌های سیاه نسبت درآمدی امریکا، آلمان و فرانسه را نشان می‌دهیم و ستون‌های رنگی هم نسبت درآمدی بین کشورها را نشان می‌دهد.



در پیوند با موضوع اصلی این یادداشت، یعنی نابرابری بین ملت‌ها این نمودار حاوی اطلاعات بسیار مفیدی است و معتقدیم که مقیاس این نوع نابرابری را به خوبی نشان می‌دهد. اجازه بدهید یکی از این سال‌ها را در نظر بگیریم. به عنوان مثال در سال ۱۹۸۰

در فرانسه متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در آن سال تنها ۲۰ برابر متوسط درآمد ۵۰درصدی‌های پایین در فرانسه بوده است (ستون سیاه) ولی در همان سال وقتی این میزان متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها را با متوسط درآمد ۵۰درصدی‌های فقیر در ایران، هندوستان و افریقای جنوبی مقایسه می‌کنیم مشاهده می‌کنیم که نسبت درآمدی به ترتیب، ۲۴۸، ۱۲۸۷ و ۱۴۶ برابر می‌شود. همین وضعیت در سال ۲۰۰۷ و در ۲۰۲۱ هم وجود دارد. در ۲۰۲۱ در حالی که متوسط درآمد یک‌درصدی‌های فرانسوی تنها ۲۲ برابر متوسط درآمد ۵۰درصدی‌های فقیر در فرانسه است ولی همین میزان درآمد متوسط هم‌چنان ۷۵۹ برابر متوسط درآمد ۵۰درصدی‌های فقیر در هندوستان و ۶۳۱ برابر متوسط درآمد ۵۰درصدی‌های فقیر در افریقای جنوبی است. در امریکا هم مشاهده می‌کنیم که در ۱۹۸۰ متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها ۲۹ برابر متوسط درآمد ۵۰درصدی‌های فقیر امریکایی بود ولی وقتی همین درآمد متوسط را با متوسط درآمد ۵۰درصدی‌ها در هندوستان در همان سال مقایسه می‌کنیم این رقم ۲۰۷۷ برابر می‌شود. اگر به‌جای هندوستان، متوسط درآمد ۵۰درصدی‌ها در ایران را ملاک قرار بدهیم این نسبت درآمدی ۴۰۱ برابر می‌شود که مدتی بعد در ۲۰۲۱ این رقم به ۸۷۷ برابر می‌رسد. آن‌چه این نسبت‌ها نشان می‌دهد این که متوسط درآمد ۵۰درصدی‌های فقیر امریکایی هم در این سال حدوداً بیش از ۷۰ برابر متوسط درآمد ۵۰درصدی‌های فقیر هندی بود. نکته‌ی قابل توجه در همه‌ی این آمارها این است که وضعیت در افریقای جنوبی در مقایسه با وضعیت در ایران و یا هندوستان به‌مراتب وخیم‌تر شده و در همه‌ی حوزه‌ها اقتصاد افریقایی جنوبی عقب‌گرد داشته است. به‌عنوان نمونه متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در فرانسه که در سال ۱۹۸۰ تنها ۲۰ برابر متوسط درآمد ۵۰درصدی‌های فقیر در فرانسه بود ولی در همان سال، این درآمد متوسط ۱۴۶ برابر متوسط درآمد ۵۰درصدی‌های فقیر در افریقای جنوبی بود ولی در سال ۲۰۰۷ این نسبت درآمدی به ۴۵۱ برابر و در سال ۲۰۲۱ به ۶۳۱ برابر افزایش یافت. متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در امریکا در ۱۹۸۰ بیش از ۲۳۶ برابر متوسط درآمد ۵۰درصدی‌های فقیر در افریقای جنوبی بود ولی این نسبت درآمدی در سال ۲۰۰۷ به ۱۰۶۲ برابر و مدتی بعد در ۲۰۲۱ به ۱۹۶۴ برابر افزایش یافت. اگر به‌جای امریکا از آمارهای آلمان استفاده کنیم تصویر

مشابهی به دست می‌آید. در سال ۱۹۸۰ متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در آلمان ۲۷۸ برابر متوسط درآمد ۵۰درصدی‌های فقیر در آفریقای جنوبی بود ولی در سال ۲۰۰۷ این نسبت درآمدی ۵۴۶ برابر شد و در سال ۲۰۲۱ از ۹۴۷ برابر هم فراتر رفت. در ایران هم شاهد وضعیت مشابهی هستیم. یعنی در سال ۱۹۸۰ متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در آلمان ۲۷۸ برابر متوسط درآمد ۵۰درصدی‌های فقیر در ایران بود و این نسبت درآمدی در سال ۲۰۰۷ به ۴۲۹ برابر رسید و وقتی به ۲۰۲۱ می‌رسیم با اندکی تخفیف ۴۲۳ برابر باقی ماند که در مقایسه با شکاف موجود در ۱۹۸۰ اندکی کم‌تر از دو برابر شده است. در ۱۹۸۰ متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در آمریکا ۴۰۱ برابر متوسط درآمد ۵۰درصدی‌های فقیر در ایران بود و برای سال ۲۰۰۷ این نسبت درآمدی بیش از دو برابر شده به ۸۳۵ برابر رسید و وقتی به سال ۲۰۲۱ می‌رسیم مشاهده می‌کنیم که این شکاف هم‌چنان افزایش یافته و ۸۷۷ برابر شده است. در مقایسه‌ی وضعیت یک‌درصدی‌ها در فرانسه و ۵۰درصدی‌های فقیر در ایران شاهد شکاف درآمد مشابهی هستیم که همانند دیگر کشورها در گذر سال‌ها بیشتر هم شده است. در سال ۱۹۸۰ این نسبت درآمدی بین یک‌درصدی‌ها در فرانسه و ۵۰درصدی‌های فقیر در ایران ۲۴۸ برابر بود که در سال ۲۰۰۷ به ۳۵۴ برابر افزایش یافت ولی وقتی به ۲۰۲۱ می‌رسیم با اندکی تخفیف ۲۸۲ برابر مانده است. همان‌طور که پیش‌تر هم به اشاره گفته‌ام بیشترین شکاف درآمدی که وجود دارد بین متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در آمریکا، فرانسه و آلمان و متوسط درآمد ۵۰درصدی‌های پایین در هندوستان است ولی هندوستان تنها کشوری است که توانسته در این ۴۰ سال شکاف درآمدی را اندکی کاهش بدهد. در سال ۱۹۸۰ متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در فرانسه ۱۲۸۷ برابر متوسط درآمد ۵۰درصدی‌های فقیر در هندوستان بود ولی این نسبت درآمدی در ۲۰۰۷ به ۱۲۷۱ برابر کاهش یافت و سرانجام در ۲۰۲۱ هم به ۷۵۹ برابر رسید. اگرچه هم‌چنان شاهد وجود یک شکاف بزرگ هستیم ولی واقعیت دارد که در گذر ۴۰ سال گذشته این شکاف به مراتب کم‌تر شده است. در مورد آمریکا هم مشاهده می‌کنیم که متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در ۱۹۸۰ بیش از ۲۰۷۷ برابر متوسط درآمد ۵۰درصدی‌های فقیر در هندوستان بود و این نسبت درآمدی در ۲۰۰۷ به ۲۹۹۵ برابر افزایش یافت و پس آن‌گاه در ۲۰۲۱ به ۲۳۶۲ برابر کاهش یافت که اگرچه از شکاف موجود در ۱۹۸۰

بزرگ‌تر است ولی درمقایسه با ۲۰۰۷ نشان‌دهنده‌ی شکاف کم‌تری است. در سال ۱۹۸۰ متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها در آلمان ۱۴۴۰ برابر متوسط درآمد ۵۰درصدی‌های فقیر در هندوستان بود و این نسبت درآمدی در ۲۰۰۷ به ۱۵۳۹ برابر افزایش یافت و سرانجام در ۲۰۲۱ به ۱۱۳۹ برابر کاهش یافت. درباره‌ی کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته، امریکا، آلمان و فرانسه بیشترین شکاف درآمدی در سال ۲۰۲۱ در امریکا به ثبت رسیده است که متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها ۷۳ برابر متوسط درآمد ۵۰درصدی‌های فقیر امریکایی.

این شکاف‌های عظیم که در این یادداشت گزارش کرده‌ایم نشان‌دهنده‌ی یک مشکل ساختاری اساسی در میان کشورهاست که نه فقط نشان از نابرابری درآمد می‌دهد بلکه متأسفانه در اغلب موارد این شکاف هم روند افزایشی دارد. در این بررسی که انجام داده‌ایم، به‌غیر از هندوستان وضعیت کلی اقتصادی در ایران و در افریقای جنوبی به‌وضوح بسیار ناگوارتر شده است و به‌خصوص به اسفناک بودن شرایط در افریقای جنوبی تأکید دارم.

برای این که نکته‌هایم اندکی بهتر عیان شوند کوشیدم تا متوسط درآمد روزانه را برای این کشورها هم برآورد کنم. به‌طور کلی شواهد ما نشان می‌دهد که در سال ۱۹۸۰ متوسط درآمد روزانه‌ی ۵۰درصدی‌های فقیر در افریقای جنوبی اندکی کم‌تر از ۴ دلار بود ولی با تحولاتی که به‌اختصار بررسی کرده‌ایم میزانش به اندکی بیشتر از ۱.۵ دلار رسیده است. حتی با معیارهای معیوب بانک جهانی در اندازه‌گیری فقر، این ۵۰درصدی‌های افریقای جنوبی باید فقیر به حساب بیایند. وضعیت در هندوستان اندکی بهبود یافته ولی از اساس بسیار نازلی این بهبود آغاز شده است. در سال ۱۹۸۰ متوسط درآمد ۵۰درصدی‌های فقیر در هندوستان کم‌تر از ۵۰ سنت در روز بود و برای ۲۰۰۷ به اندکی کم‌تر از یک دلار در روز رسید و سرانجام با همه‌ی داستان‌هایی که درباره‌ی «معجزات» اقتصادی در هندوستان گفته می‌شود در ۲۰۲۱ به ۱.۲۹ دلار افزایش یافت که هنوز از خط فقر بانک جهانی به‌مراتب کم‌تر است. در ایران با اندکی بهبود روبرو هستیم. متوسط درآمد روزانه‌ی ۵۰درصدی‌های پایین در ۱۹۸۰ معادل ۲.۳۴ دلار بود که برای ۲۰۰۷ به ۳.۳۸ دلار افزایش یافت و حتی در ۲۰۲۱ هم با اندکی

بهبود به ۳.۴۷ دلار رسید. من هم باخبرم که سطح قیمت‌ها و به‌طور کلی هزینه‌ی زندگی در این کشورها با یک دیگر اختلاف اساسی دارند و در نتیجه مقایسه‌ی مستقیم بین این داده‌های آماری نه منطقی است و نه درست. درضمن ولی، ما عقل و منطق عامیانه‌ای هم داریم که به ما می‌گوید این برآوردهای درآمد روزانه کم‌تر از آن هستند که بتوان مشکلات ناشی از فقر گسترده و روزافزون در این کشورها را با مباحث آکادمیک اقتصادی کتمان کرد. نه فقط شاهد گسترش روزافزون نابرابری هستیم بلکه به گمان من سه کشوری که برای بررسی‌مان برگزیده ایم، هندوستان، ایران و افریقای جنوبی مشکل اساسی‌تر فقیرترشدن و بیشتر فقیرترشدن جمعیت را هم دارند. این مشکل دوگانه نه فقط ضروری می‌سازد که سیاست‌های اقتصادی تاکنونی به گسترده‌ترین حالت مورد بازبینی و تصحیح قرار بگیرد. نه فقط لازم است برای بیشتر کردن نرخ رشد اقتصادی منابع لازم برای سرمایه‌گذاری و ایجاد ظرفیت تولید بیشتری تدارک دیده شود بلکه به همان اندازه مهم اجرای سیاست‌هایی است که منافع ناشی از رشد اقتصادی را همه‌گیر نماید. الگوی اقتصادی که در وجه عمده برای منافع یک‌درصدی‌ها، به‌وسیله‌ی یک‌درصدی‌ها تدوین و به‌وسیله‌ی آنها اجرا می‌شود، باید به‌جد کنار گذاشته شود. اگر هم تجربه‌ای لازم بود که به گمان من تجربه‌ی چهار دهه‌ی گذشته کافی و روشن‌گرانه است. البته که نمی‌دانم آینده چه می‌شود ولی تردید ندارم که این الگوی کنونی، به‌هیچ‌وجه قابل توجیه و تداوم نیست. دیر نیست که چنان آتشی در این اقتصادهای به‌شدت معیوب و بد اداره‌شده شعله‌ور شود که نه‌تنها قابل کنترل نخواهد بود بلکه خشک و تر را نیز با هم خواهد سوزاند.